

بررسی تغییرات فرهنگی دامنه‌های غربی الوند از دوره مس‌وسنگ تا پایان عصر آهن بر اساس نتایج بررسی باستان‌شناختی دشت میان‌کوهی توپسرکان

رضا نظری‌ارشاد*

استادیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان

خلیل‌الله بیک‌محمدی

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی دانشگاه محقق اردبیلی

(از ص ۲۰۹ تا ۲۲۷)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۵/۰۳/۱۹؛ تاریخ پذیرش قطعی: ۹۵/۱۰/۱۹

چکیده

بررسی و شناسایی باستان‌شناختی به روش‌های گسترده یا فشرده، از رایج‌ترین روش‌های کاربردی برای شناخت آثار، تغییرات فرهنگی و زیست‌بوم فرهنگی است؛ بررسی و شناسایی دشت‌ها، دره‌ها و مناطق مختلف، قطعاً نتایجی را دربر دارند که در کنار یکدیگر می‌تواند اطلاعات جامع و کاملی از چگونگی حضور و برهمکنش جوامع باستانی ارائه دهد. دشت‌های دامنه‌های مختلف رشته‌کوه الوند و به‌طور اخص، دشت مرتفع میان‌کوهی توپسرکان از جمله مهم‌ترین مناطق شرق زاگرس مرکزی است که همواره مورد توجه جوامع مختلف انسانی بوده و از پتانسیل بالایی جهت مکان‌گزینی زیستگاه‌ها و استقرارگاه‌های جوامع اولیه برخوردار بوده است. در زمستان ۱۳۹۱، در راستای اجرای طرح پژوهشی «بررسی، شناسایی، مستندسازی تکمیلی و ثبت آثار باستانی شهرستان توپسرکان»، با هدف شناسایی و ثبت محوطه‌های باستانی و آثار تاریخی واجد شرایط، این منطقه به‌صورت فشرده (پیمایشی) مورد بررسی باستان‌شناختی قرار گرفت. برآیند عملیات بررسی، شناسایی ۴۴ محوطه از دوران مس‌وسنگ تا ادوار متأخر اسلامی بود. در این میان، از ۳ محوطه آثار دوره مس‌وسنگ، در ۴ محوطه آثار دوره مفرغ و تنها از ۲ محوطه آثار عصر آهن شناسایی شد. دوره مس‌وسنگ این منطقه با سفال‌های شاخص نوع دالما، ظروف پایه‌دار منقوش موسوم به BOB، عصر مفرغ با سفال یانیقی و عصر آهن نیز با سفال‌های نوع نخودی و خاکستری مورد مطالعه قرار می‌گیرند. پژوهش پیش‌رو به مطالعه و تحلیل الگوی پراکنش و توزیع مکانی استقرارهای انسانی در دوره‌های مس‌سنگی تا آهن، برآورد سلسله‌مراتب مکان‌های باستانی و ارتباط فضایی آنها در کرانه غربی رشته‌کوه الوند با یکدیگر و مناطق فرهنگی همجوار می‌پردازد.

واژه‌های کلیدی: بررسی باستان‌شناختی، توپسرکان، مس‌وسنگ، مفرغ، آهن

* رایانامه نویسنده مسئول: rnazariarshad@ut.ac.ir

۱. مقدمه

بررسی‌های باستان‌شناسی برای تعیین موقعیت مکان‌های باستانی، ثبت و تحلیل ویژگی‌های آنها انجام می‌پذیرد. به معنای بسیار محدود، بررسی باستان‌شناختی بدین منظور انجام می‌شود تا اطلاعات کلی درباره تاریخ و تحول اسکان جوامع در مناطق گوناگون به دست آید، پیش از این که در آن مناطق، کاوش باستان‌شناسی که در واقع به معنای بازسازی آنهاست، انجام گیرد. امروزه در مطالعات باستان‌شناسی، این بررسی‌ها عموماً گامی مهم در برنامه‌های تحلیلی توسعه و تحول تاریخی انسان و کاوش در منطقه تلقی می‌شوند. از این رو، عموماً کاوش‌های باستان‌شناسی بدون بررسی‌های نخستین و یا بدون در نظر گرفتن نتایج بررسی‌های پیشین چندان عملی نخواهد بود. این اهداف عموماً شامل برآورد جمعیت منطقه، تغییرات آن در درازمدت، ارتباط مکان‌های باستانی با محیط زیست و منابع طبیعی، تعیین مرزهای فرهنگی بین منطقه‌ای و سلسله‌مراتب مکان‌های باستانی و ارتباط فضایی آنهاست؛ چنین اطلاعاتی از راه کاوش‌های باستان‌شناسی به دست نمی‌آید، ولی اطلاعات حاصل از کاوش، مکمل اطلاعات حاصل از بررسی‌ها خواهد بود؛ در حالی که اطلاعات مبتنی بر بررسی را نمی‌توان جایگزین اطلاعات حاصل از کاوش کرد (علیزاده، ۱۳۸۲)، در این راستا بررسی و شناسایی آثار با نمونه‌برداری‌های مختلف شناخته شده انجام می‌پذیرد که از جمله می‌توان به روش‌های نمونه‌برداری «تصادفی ساده» و «تصادفی روشمند» اشاره داشت (علیزاده، ۱۳۷۳: ۷). در برنامه پژوهشی بررسی باستان‌شناختی شهرستان تویسرکان نیز از همین روش‌های نمونه‌برداری شناخته شده استفاده شد.

۲. پیشینه پژوهش

تاریخچه مطالعات آغاز بررسی‌های باستان‌شناسی در دشت‌های دامنه‌های رشته‌کوه الوند را می‌توان با سلسله بررسی‌های دامنه‌دار باستان‌شناسان غیر ایرانی از جمله بررسی‌های «سوینی» در نزدیکی دشت همدان (Swiny, 1975) و سپس باستان‌شناسان ایرانی به خصوص «بهمن کارگر» (کارگر، ۱۳۶۹) مربوط دانست. بررسی‌های باستان‌شناختی این حوضه، در طی چند دهه اخیر، به طور مستمر و هدفمند پی‌گیری شده که در پس آن، باید به بررسی و شناسایی شهرستان بهار (ایوکی، ۱۳۷۷؛ بلمکی و مترجم، ۱۳۸۸)؛ بررسی و شناسایی بخش مرکزی شهرستان همدان (محمدی‌فر و مترجم، ۱۳۸۴؛ نظری ارشد، ۱۳۹۱)؛ بررسی و شناسایی شهرستان ملایر (نظری‌ارشد، ۱۳۸۵؛ بختیاری، ۱۳۸۷ و جانجان، ۱۳۹۱) و بررسی و شناسایی شهرستان نهاوند (محمدی‌فر و مترجم، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۷؛ ایراندوست، ۱۳۸۰؛ سراقی، ۱۳۸۶) اشاره کرد. دستاورد این بررسی‌ها، انتشار پژوهش‌هایی در ارتباط با تحولات فرهنگی و شناخت الگوهای استقرار عصر مس‌وسنگ (بلمکی، ۱۳۹۲ و تاجبخش و بلمکی، ۱۳۹۳)، (Balmaki and Niknami 2012) تحولات فرهنگی عصر مفرغ (مترجم، ۱۳۹۰)؛ معرفی آثار مس‌وسنگ تا عصر آهن تپه گونسپان (رضوانی، ۱۳۸۶)، گوراب (خاکسار و همتی، ۱۳۹۳؛ نوروزی، ۱۳۹۳؛ خاکسار و دیگران، ۱۳۹۳: ۶۶-۴۷) ذغالی و قلعه‌نو در دشت ملایر (جانجان و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۳۲-۲۱۵؛ بیک‌محمدی و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۵۲-۲۳۳) و همچنین معرفی آثار مس‌وسنگ تا عصر آهن دشت نهاوند (سعیدی‌هرسینی و دیگران، ۱۳۸۷؛ نوروزی، ۱۳۹۳: ۱۷۸-۱۶۶؛ سراقی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۹۳-۱۷۹) بوده است.

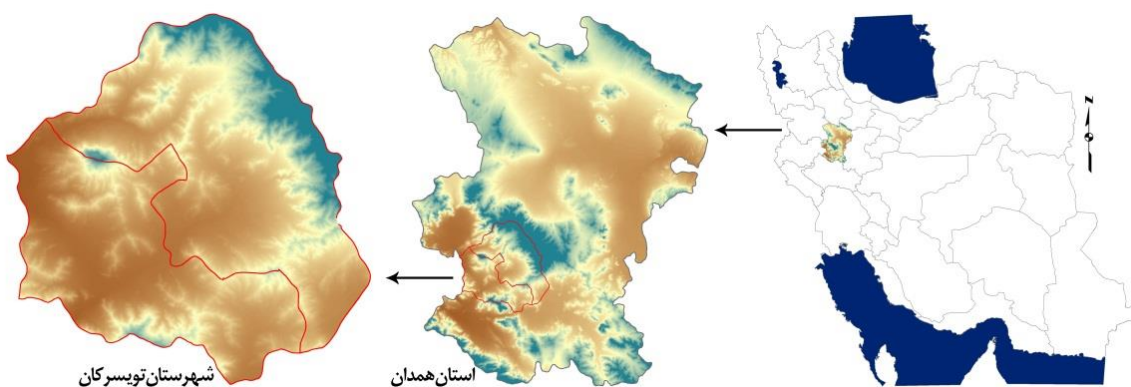
شهرستان تویسرکان که از منظر باستان‌شناسی چندان مورد مطالعه قرار نگرفته بود، نخستین بار در سال ۱۳۸۲، به سرپرستی «یعقوب محمدی‌فر و عباس مترجم» بررسی و شناسایی شده است (محمدی‌فر و مترجم، ۱۳۸۲)؛ اما این شهرستان به سال ۱۳۹۱، در برنامه پژوهشی دیگری با عنوان «برنامه بررسی و شناسایی

تکمیلی شهرستان توپسرکان» به سرپرستی رضا نظری‌ارشد مورد مطالعه مجدد قرار گرفت که در نتیجه آن تعداد ۴۴ محوطه با آثاری از ادوار مس‌وسنگ تا اسلامی متأخر با توجه به آثار سطحی شناسایی شد. (نظری‌ارشد، ۱۳۹۱). دامنه‌های الوند بالاخص دشت مرتفع توپسرکان، از جمله مهم‌ترین مناطق شرق زاگرس مرکزی در کرانه غربی رشته‌کوه الوند است که همواره مورد توجه بوده و از پتانسیل بالایی جهت مکان‌گزینی زیستگاه‌ها و استقرارگاه‌های اولیه برخوردار بوده است. بررسی باستان‌شناختی تکمیلی توپسرکان با اهداف: بازنگری نتایج بررسی‌های پیشین، شناسایی و ثبت محوطه‌های باستانی و آثار تاریخی واجد شرایط، بررسی و تحلیل الگوی پراکنش و توزیع مکانی استقرارهای انسانی در دوره‌های گوناگون، برآورد سلسله‌مراتب مکان‌های باستانی و ارتباط فضایی آنها با یکدیگر و مناطق فرهنگی همجوار آن، انجام گرفته است. نتایج بررسی، نشان از اهمیت دشت توپسرکان و منظر فرهنگی و طبیعی آن، دست‌کم از هزاره ۵ ق.م. به این سو است. با توجه به آثار سطحی شناسایی‌شده به نظر می‌رسد آغاز استقرار جوامع انسانی در حوضه مورد مطالعه از دوره مس‌وسنگ باشد. در این میان، از ۳ محوطه آثار دوره مس‌وسنگ، در ۴ محوطه آثار دوره مفرغ و تنها از ۲ محوطه آثار عصر آهن شناسایی شده است که نشان از تغییرات فرهنگی در ادوار مذکور دارد. به‌طوری‌که افزایش استقرارها در دوره مفرغ (جدید) چشمگیر بوده و کاهش استقرارها در عصر آهن نیز قابل‌تأمل است و همگن‌بودن الگوی استقراری مشابه با مناطق همجوار خود در دشت‌های همدان (بلمکی ۱۳۹۲؛ تاجبخش و بلمکی ۱۳۹۳)، نهاوند (هرسینی و دیگران، ۱۳۸۷؛ نوروزی، ۱۳۹۳: ۱۷۸-۱۶۶؛ سراقی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۹۳-۱۷۹) کنگاور (سعیدی‌هرسینی، ۱۳۸۵؛ سعیدی‌هرسینی و دیگران، ۱۳۸۷) و ملایر (جانجان و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۳۲-۲۱۵؛ بیک‌محمدی و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۵۲-۲۳۳) را نشان می‌دهد؛ اما با توجه به همجواری و نزدیکی محوطه‌های دشت توپسرکان به محوطه‌های گودین (Young & Levine 1974)، گیان (Contenau & Ghirshman 1935) و سه‌گابی (Levine 1975)، می‌توان هم‌پوشانی و تحولات فرهنگی این سه محوطه را در توالی استقراری دشت توپسرکان نیز مشاهده کرد. توالی تحولات فرهنگی (نمونه‌های سفال) مس‌وسنگ تا عصر آهن گودین تپه (X تا II) در ۷ محوطه شناسایی شده دشت توپسرکان حضور دارند و نوعی تعاملات فرهنگی، به‌صورت ارتباطات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را نشان می‌دهند. بر همین اساس، نگارندگان از روش طبقه‌بندی سفال‌های گودین تپه که توسط «رابرت هنریکسون» (Henrickson 1986 & 1987) صورت گرفته، استفاده نموده‌اند. در طبقه‌بندی مرتبط با سفال‌های گودین تپه، رنگ و نقش سفال به‌عنوان معیار طبقه‌بندی در نظر گرفته شده است. علاوه بر این، به منظور مقایسه یافته‌های سفالی و تحولات فرهنگی، علاوه بر گودین تپه (به جهت استحکام تطابق فرهنگی)، از سایر محوطه‌های مربوط به ادوار مس‌وسنگ تا عصر آهن مناطق همجوار نیز بهره گرفته شده است.

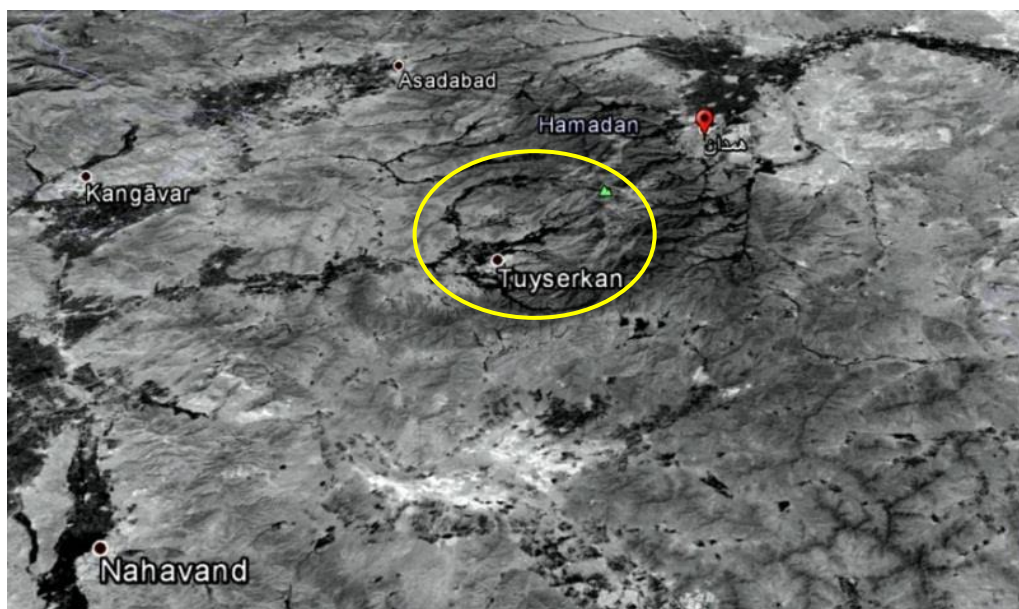
۳. جغرافیای طبیعی شهرستان توپسرکان

توپسرکان از شهرستان‌های تابع استان همدان است که با وسعتی در حدود ۱۴۸۰ کیلومتر مربع ۷/۷ درصد مساحت کل استان همدان را دربر گرفته و بین مدار ۳۴ درجه و ۲۰ دقیقه تا ۳۴ درجه و ۴۸ دقیقه عرض شمالی و ۴۸ درجه و ۵ دقیقه تا ۴۸ درجه و ۳۸ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ قرار گرفته است (نقشه ۱). این شهرستان از شمال به همدان، از شرق به ملایر، از جنوب به نهاوند و از غرب به کنگاور و اسدآباد محدود است (تصویر ۱). شهرستان توپسرکان شامل دهستان‌های کمال‌رود، قلقل‌رود، میان‌رود، کرزان‌رود، حیقوق نبی، خرم‌رود، و سیدشهاب است. ارتفاع متوسط این منطقه از سطح دریا ۱۷۸۰ متر است که هرچه به

طرف جلگه‌های جنوبی امتداد می‌یابد، از ارتفاع آن کاسته می‌شود؛ ولی حداقل ارتفاع منطقه از سطح دریا ۱۵۱۰ متر است که از بلندترین مناطق کوهستانی غرب کشور و استان همدان به‌شمار می‌رود و در محدوده‌ای قرار گرفته است که سرتاسر بخش شمالی، شمال‌غربی و شمال‌شرقی آن را رشته‌کوه‌های منشعب از الوند و قسمت‌هایی از بخش شرقی و جنوبی آن را سلسله‌کوه‌های نیمه‌مرتفع که جز پیش‌کوه‌های جبال زاگرس محسوب می‌شوند، احاطه کرده‌اند؛ به‌طوری که می‌توان منطقه تویسرکان را مانند دره بزرگی تصور کرد که به‌طور طبیعی در حلقه‌ای از کوه‌های نیمه‌مرتفع محصور شده است (مقدم، ۱۳۸۷: ۲۲) (تصویر ۲). مهم‌ترین کوه‌های این شهرستان عبارت‌اند از: خان‌گورمز، چشمه دره، چالاب، سیاه کوه و سیاه کمر. رود دایمی خرم‌رود به طول حدود ۳۸ کیلومتر از ریزآبه‌های قره‌چای در مسیر جنوب‌غربی، قلقل‌رود به طول حدود پنجاه کیلومتر از ریزآبه‌های گام‌آسی‌آو / گام‌سیاب - که خود ریزآبه‌ای به نام گرزان رود دارد- از رودهای مهم شهرستان تویسرکان به‌شمار می‌آیند (سالنامه آماری استان همدان، ۱۳۸۴: ۴-۵).



نقشه ۱: موقعیت جغرافیایی شهرستان تویسرکان بر روی نقشه استان همدان و ایران (نگارندگان)



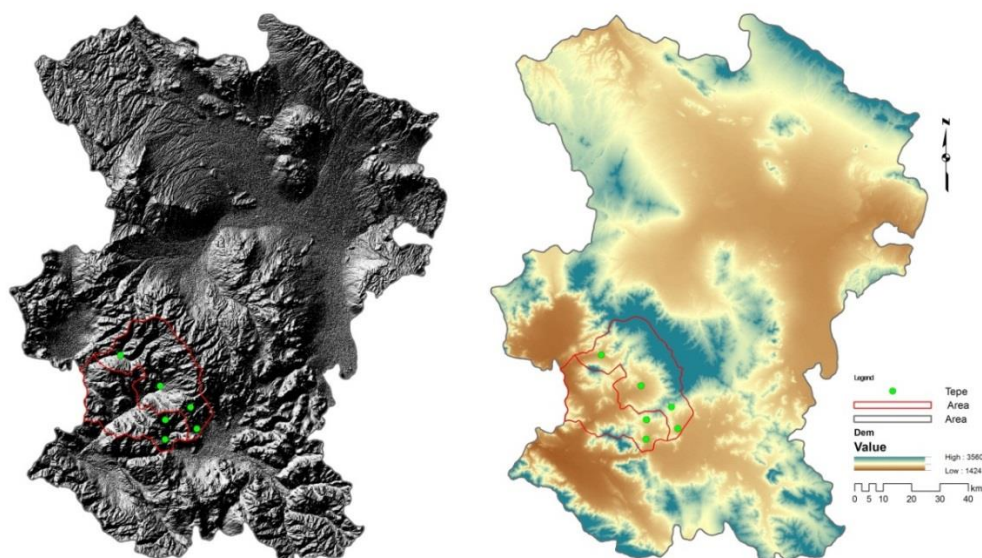
تصویر ۱: موقعیت جغرافیایی شهرستان تویسرکان در کرانه غربی الوند (Google Earth 2015)

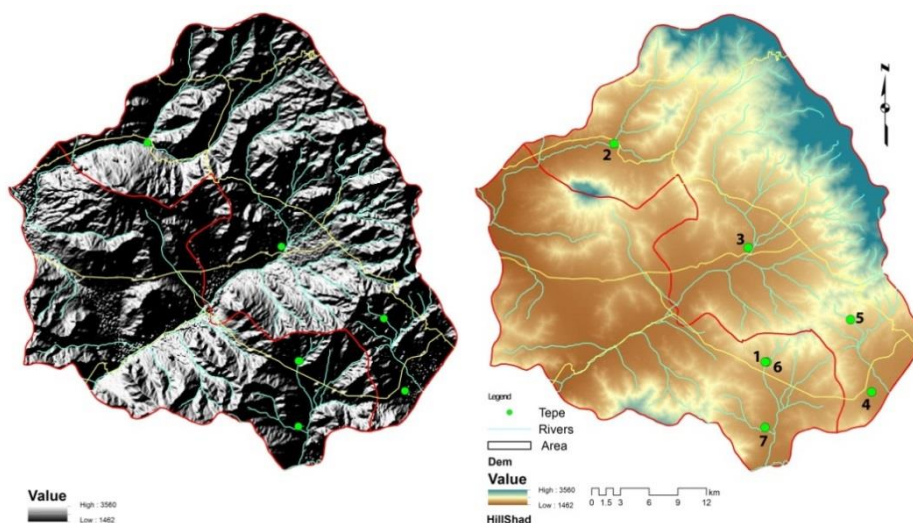


تصویر ۲: نمایی از موقعیت دشت میان‌کوهی تویسرکان در کرانه غربی کوه الوند (نگارندگان)

۴. استقرارهای دوره مس‌وسنگ تا عصر آهن دشت تویسرکان

در طی بررسی باستان‌شناختی تکمیلی سال ۱۳۹۱، تعداد ۴۴ محوطه در دشت تویسرکان شناسایی شده که در نتیجه آن، محوطه‌هایی دربردارنده استقرارهایی از مس‌وسنگ تا ادوار اسلامی متأخر شناسایی شد. در این بین آثار سطحی شناسایی شده، نشان‌دهنده آغاز استقرارها در حوضه مورد مطالعه از دوره مس‌وسنگ است. در این میان، از ۳ محوطه آثار دوره مس‌وسنگ، در ۴ محوطه آثار دوره مفرغ و تنها از ۲ محوطه، آثار عصر آهن شناسایی شده است که در نقشه ۲ محل پراکنش و موقعیت آنها دیده می‌شوند. در جدول ۱، مشخصات محوطه‌های مذکور مانند: نام محوطه، کد ثبتی محوطه، دهستان، مساحت، ارتفاع از زمین‌های اطراف و سطح دریا و دوره‌های استقراری پیشنهادی بر اساس مواد فرهنگی حاصل از بررسی ذکر شده است.





نقشه ۲: موقعیت جغرافیایی محوطه‌های مس‌وسنگ، مفرغ و عصر آهن کرانه غربی رشته‌کوه الوند در استان همدان و شهرستان تویسرکان (نگارندگان)

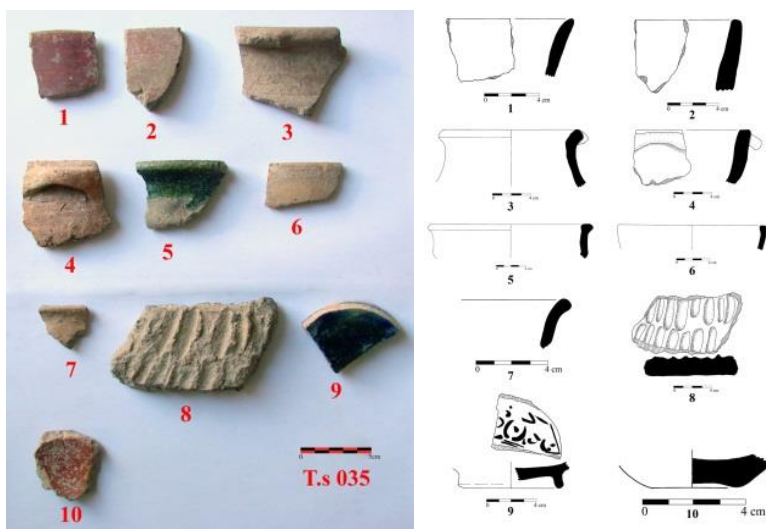
جدول ۱: مشخصات محوطه‌های مس‌وسنگ تا عصر آهن شهرستان تویسرکان (نگارندگان)

No	کد	نام محوطه	مساحت مترمربع	ارتفاع از زمین‌های اطراف	ارتفاع از سطح دریا	دوره						
						مس‌وسنگ			مفرغ			آهن
						۱	۲	۳	۱	۲	۳	
۱	T.S 035	Zaghe	۱۲۰۰۰	۵	۱۸۵۶	*	*	*	-	-	-	-
۲	T.S 013	Najaf Abad	۴۰۰۰	۸	۱۶۴۸	*	*	*	*	*	*	*
۳	T.S 003	Ghala-e-Shaikh	۱۲۶۰۰	۱۴	۱۷۱۶	-	-	-	*	-	-	-
۴	T.S 028	Shogh Abad	۳۰۰۰۰	۳۰	۱۷۴۴	-	-	-	*	*	*	*
۵	T.S 007	Jjankoh	۶۴۰۰	۱۱	۱۹۶۵	-	-	-	*	-	-	-
۶	T.S 034	Ghabrestan	۲۰۰۰	۱۲	۱۸۵۸	-	-	-	*	-	-	-
۷	T.S 011	Mali	۴۵۰	۶	۱۷۱۶	-	-	-	*	-	-	-

۴-۱. استقرارهای دوره مس‌وسنگ

استقرارهای دوره مس‌وسنگ دشت تویسرکان از سه محوطه تپه زاغه (T.S 035)، تپه نجف‌آباد (T.S 013) و تپه قلعه‌شیخ (T.S 003) شناسایی شده است (نقشه ۲) و (جدول ۱). تپه زاغه (T.S 035) در ارتفاع ۱۸۵۶ متر از سطح آب‌های آزاد در بخش قلقل‌رود، دهستان کمال‌رود، ۸۰۰ متری جنوب‌شرق روستای زاغه، به‌صورت پشته‌ای کم‌حجم و کم‌ارتفاع (۵متر) در میان دره‌ای در جنوب ارتفاعات دشت تویسرکان قرار دارد. این اثر بر سطح پشته‌های طبیعی شکل قرار گرفته و حاشیه آن را تپه-ماهورهای طبیعی دربرگرفته است. چشمه‌های طبیعی و مسیل طبیعی که در حاشیه شرقی و غربی محوطه جاری است، مهم‌ترین منبع طبیعی تأمین آب آن بوده است (نقشه ۲). این محوطه با وسعتی حدود ۱۲۰۰۰ متر مربع از بزرگ‌ترین استقرارهای دوره مس‌وسنگ این شهرستان به‌شمار می‌آید که توالی ۳ دوره مس‌وسنگ قدیم، میانی و جدید را دربر دارد (جدول ۱). در تپه زاغه تنوع سفالینه‌های ساده، منقوش نخودی و قهوه‌ای روشن تا تیره با نقوش قهوه‌ای و سیاه وجود دارد. از گونه‌های سفالی شناخته‌شده در این تپه می‌توان به سینی‌های پوست‌کنی از نوع دالما، سفال منقوش BOB و Red Slip که هم‌افق با سفال‌های گودین

۷,VI,VII هستند اشاره کرد (تصویر ۳). با توجه به حضور شاخصه‌های سفالی سه‌گانه دوره مس‌وسنگ در این تپه و فراوانی و تنوع گونه‌های سفالی، لایه‌نگاری آن می‌تواند در گاهنگاری استقرارهای مس‌وسنگ منطقه بسیار حایز اهمیت باشد.



تصویر ۳: نمونه سفال‌های سطحی تپه زاغه (نظری‌ارشد، ۱۳۹۱: تصویر ۲۱۴)

تپه نجف‌آباد (T.S 013) در ارتفاع ۱۶۸۴ متری از سطح آب‌های آزاد، به‌صورت پشته‌ای حجیم و مرتفع در شمال دره تویسرکان (دره اشتران)، در ساحل شمالی رودخانه خرم‌رود و در شمال‌غرب روستای نجف‌آباد واقع شده است (نقشه ۲)، (تصویر ۴). تپه نجف‌آباد با سطح قاعده بیضی‌شکل و جهت گسترش و کشیدگی شرقی-غربی با وسعتی حدود ۴۰۰۰ متر مربع و ارتفاعی حدود ۸ متر، تنها محوطه دشت تویسرکان است که آثاری از دوره مس‌وسنگ (قدیم، میانی و جدید)، مفرغ (قدیم، میانی و جدید)، تا عصر آهن (سراسر توالی گاهنگاری گودین) را در خود جای داده است (جدول ۱). در برش دیواره‌های تپه، بقایای آثار معماری خشتی (تصویر ۵) و بقایای خاکستر به‌خوبی مشهود است. مواد فرهنگی موجود به‌صورت قطعات پراکنده سفال در حجم زیاد و انواع ابزارهای سنگی (تیغه و ریزتیغه) و سردوک در سطح و حاشیه تپه، مشهود است. در تپه نجف‌آباد تنوع سفالینه‌های ساده، منقوش نخودی و قهوه‌ای روشن تا تیره با نقوش قهوه‌ای و خاکستری وجود دارد. از گونه‌های سفالی شناخته‌شده در این تپه، می‌توان سفال‌های پایه‌دار منقوش BOB، قابل‌قیاس با ظروف پایه‌دار مکشوف از محوطه‌های ملایر (جانجان، ۱۳۹۱: ۵۸، تصویر ۷) و محوطه میمنت‌آباد رباط‌کریم در فلات مرکزی (یوسفی‌زشک، ۱۳۹۰: تصویر ۷) و Red Slip را که هم‌افق با سفال‌های گودین V,VI,VII هستند، نام برد (تصویر ۶). با توجه به حضور توالی لایه‌نگاری شده گودین در این تپه، فراوانی و تنوع گونه‌های سفالی (مس‌وسنگ تا عصر آهن)، همچنین آثار قابل‌توجه معماری خشتی، لایه‌نگاری آن می‌تواند در گاهنگاری محوطه‌های شرق زاگرس مرکزی در دوران مس‌سنگی تا آهن و درک بهتر چگونگی گسترش فرهنگ گودین در منطقه و پراکندگی استقرارهای مس‌وسنگ تا عصر آهن در دشت تویسرکان حایز اهمیت باشد.



تصویر ۴: نمای کلی بستر رودخانه خرم‌رود، دید از شرق (نظری‌ارشد، ۱۳۹۱: تصویر ۹۵)
 تصویر ۵: بقایای دیوار خشتی در ضلع غربی تپه نجف‌آباد، دید از غرب (نظری‌ارشد، ۱۳۹۱: تصویر ۹۴)



تصویر ۶: نمونه سفال‌های سطحی تپه نجف‌آباد (نظری‌ارشد، ۱۳۹۱: تصویر ۹۶)

تپه قلعه‌شوخ (T.S 003) در ارتفاع ۱۷۱۶ متر از سطح آب‌های آزاد و بر سطح پشته‌ای طبیعی، در میان اراضی دیم، در ۳۰۰ متری شمالی روستای قلعه شیخ قرار گرفته است. رودخانه کرزان‌رود در فاصله ۴۰۰ متری شرق تپه، مهم‌ترین منبع طبیعی تأمین آب آن است (نقشه ۲). تپه قلعه‌شوخ با سطح قاعده بیضی‌شکل و به‌صورت پشته‌ای کم‌حجم که ارتفاع آن در بلندترین نقطه نسبت به زمین‌های همجوار حدود ۱۴ متر است خودنمایی می‌کند (جدول ۱). این تپه تنها در برگیرنده آثاری از دوره مس‌وسنگ جدید با وسعتی بیش از یک هکتار از وسیع‌ترین محوطه‌های دوره مس‌وسنگ این حوضه به‌شمار می‌آید.

همان‌گونه که در بین استقرارهای مس‌وسنگ توپسرکان دیده می‌شود (جدول ۱)، تعداد ۳ محوطه دارای آثار دوره مس‌وسنگ است که حضور سنت فرهنگی از فاز قدیم مس‌وسنگ (دوره شحن‌آباد)، دوره مس‌وسنگ میانه (دالما) و مس‌وسنگ جدید (سنت اوروکی) را که مشابه و متأثر از توالی استقراری گودین IX-V است، دربر می‌گیرد. در تفسیر محوطه‌های مس‌وسنگ دشت توپسرکان، می‌توان وضعیت مناسب اقلیمی جغرافیایی و مراتع غنی را موجب گسترش بیشتر زیستگاه‌ها در ارتفاع بالای ۱۷۰۰ متری و فراتر از آن را مطرح کرد که این امر در دشت توپسرکان بیشتر خودنمایی می‌کند. محوطه‌های مس‌وسنگ دشت توپسرکان در ارتفاع بین ۱۷۰۰ تا ۱۹۰۰ متر از سطح دریا قرار گرفته که نشان از مساعد بودن اقلیم جغرافیایی منطقه در حرکت و کوچ عمودی از دوره مس‌وسنگ در این حوضه بوده است (جدول ۱). اما در دشت توپسرکان تعداد زیستگاه‌ها در قیاس با مناطق همجوار خود، مانند نهاوند (بلمکی، ۱۳۹۲: ۹۶-۱۰۵) و ملایر (نظری‌ارشد، ۱۳۸۵، جانجان و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۲۷-۲۲۸) به‌نوعی اندک بوده و در تفسیر این نکته، اقتصاد مبتنی بر کوچ‌روی و وسعت کم محوطه‌های دوره مس‌وسنگ، رویکرد بهتری برای پاسخ به این سؤال است (موجشی، ۱۳۹۲: ۳۸). در این بین

استقرارهای دشت توپسرکان، محوطه‌هایی با کاربری روستاهای کوچک (بین نیم تا یک هکتار) یا پایگاه‌های غیردائم هستند که در مناطق پست و در کنار شاخه‌های اصلی رودخانه‌ها واقع شده‌اند (نقشه ۲)؛ شاید بتوان گفت که این محوطه‌ها نیز به پایگاه گله‌داران چراگرد با نیم‌نگاهی به تداوم زندگی با قابلیت کشاورزی اشاره دارد که به صورت فصلی در دشت توپسرکان حضور یافته‌اند و مراکز اصلی و هسته‌های مرکزی آنها را باید در خارج از دشت توپسرکان (مانند گودین) جستجو کرد. در ارتباط با پراکنش استقرارها، نکته‌آ اساسی این است که از نظر بهره‌گیری از منابع طبیعی، بیشترین استقرارها در دشت و اطراف زمین‌های کشاورزی و استقرارهای کوهستانی، نزدیک به منابع آب و مراتع تشکیل یافته‌اند (نقشه ۲) که در الگوهای معاصر (اقوام عشایر) نیز تنها ساکنان این منطقه را دامداران کوچ‌نشین با زندگی مبتنی بر گله‌داری تشکیل می‌دهند (آقامحمدی و شرفی، ۱۳۹۰). با تحلیل وسیع‌تر، این نوع الگوی استقراری در کوهستان‌های مشرف به کنگاور (مترجم و الماسی، ۱۳۹۲)، بیچار (موجشی، ۱۳۹۲)، ملایر (بختیاری، ۱۳۸۷؛ بیک‌محمدی و دیگران، ۱۳۹۳)، نهاوند (سعیدی‌هرسینی و دیگران، ۱۳۸۷) و حوضه رودخانه گاماسیاب (سعیدی‌هرسینی، ۱۳۸۵) نیز قابل‌تعمیم و ملاحظه است. استقرارهایی که به صراحت می‌توان آنها را به اقوام دامدار و کوچ‌رو نسبت داد؛ از نظر رتبه‌بندی مکانی، یک مشکل اساسی در تحلیل استقراری مس‌وسنگ دشت توپسرکان وجود دارد؛ این مشکل، کمبود تعداد استقرارها و پراکندگی داده‌های مس‌سنگی در سطح تپه‌ها و محوطه‌هایی است که اغلب این استقرارها به‌طور موقت و فاقد وسعت وسیع هستند که تحلیل رتبه‌ای آنها را با مشکل مواجه می‌کند. با این توصیف و با در نظر گرفتن استقرارهای همجوار، این نکته در مورد تحلیل الگوهای استقراری منطقه مورد مطالعه این پژوهش نیز صدق می‌کند و حکایت از استقرارهای فصلی و موقتی دارد که اغلب در کنار رودخانه‌ها و چشمه‌های فصلی قرار گرفته‌اند که جهت استحکام‌بخشی به حضور خود از پایگاه‌های مرکزی، مانند سه محوطه تپه زاغه (T.S 035)، تپه نجف‌آباد (T.S 013) (با تأکیدی بیشتر، به دلیل گستردگی توالی فرهنگی آن) و تپه قلعه شیخ (T.S 003) در دشت توپسرکان استفاده می‌کرده‌اند.



تصویر ۷: پایه سفالی منقوش (BOB) به‌دست آمده از ملایر (جانجان، ۱۳۹۱: ۵۰۸)

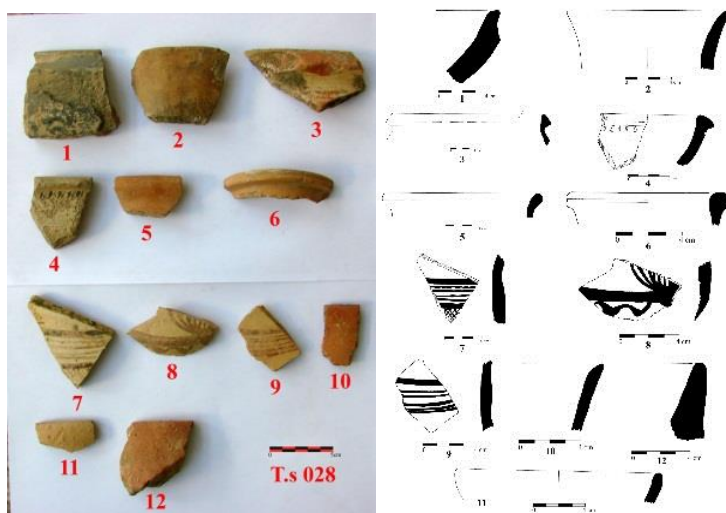


تصویر ۸: نمونه سفال‌های منقوش (BOB) پایه‌دار مس‌وسنگ جدید به‌دست آمده از تپه جنوبی میمنت‌آباد (میمون‌آباد) رباط کریم (یوسفی‌زسک، ۱۳۹۰)

۴-۲. استقرارهای عصر مفرغ

طی بررسی باستان‌شناختی صورت‌گرفته در دشت تویسرکان، از ۴ محوطه نجف‌آباد (T.S 013) تپه شوق-آباد (T.S 028)، جیجان‌کوه (T.S 007)، قبرستان زاغه (T.S 034) استقرارهایی از عصر مفرغ (قدیم تا جدید) شناسایی شده که در جدول ۱ (اطلاعات) و نقشه ۲ (موقعیت جغرافیایی) آنها مشخص شده است. تپه نجف‌آباد که پیش‌تر به معرفی آن اشاراتی شد، دارای سفال‌های شاخص عصر مفرغ قدیم از نوع سفال یانیق (گودین IV) و جدید منقوش (از نوع گودین III) در سطح تپه بوده و معرف مفرغ قدیم تا جدید که تداوم حیاتی آن از دوره مس‌وسنگی ادامه داشته است.

تپه شوق‌آباد (T.S 028) در ارتفاع ۱۷۴۴ متر از سطح آب‌های آزاد و در جنوب شرقی شهرستان تویسرکان، در دشت و دهستان سیدشهاب، ۱۰۰ متری جنوب روستای شوق‌آباد، منتهی به دشت ملایر قرار دارد (نقشه ۲). این تپه به صورت پشته‌ای بزرگ (کله‌قندی) و مرتفع (۳۰ متر) است که لایه‌های فرهنگی سه دوره مفرغ (قدیم، میانی و جدید) وسعتی در حدود ۳۰۰۰۰ مترمربع را دربر دارد (جدول ۱). مواد فرهنگی موجود در سطح تپه به صورت قطعات پراکنده سفال و در حجم متوسط تا زیاد در سطح و حاشیه تپه قابل مشاهده است. دوره‌های فرهنگی مجموعه سفال‌های جمع‌آوری شده از سطح تپه قابل مقایسه با نمونه‌های مشابه در دوره مفرغ قدیم، میانه و جدید گودین IV و III است (تصویر ۹).



تصویر ۹: نمونه سفال‌های سطحی تپه شوق‌آباد (نظری‌ارشد، ۱۳۹۱: ۱۷۹)

تپه جیجان‌کوه (T.S 007) در ارتفاع ۱۹۶۵ متر از سطح آب‌های آزاد، در ۲۵۰ متری غرب روستای جیجان‌کوه، میان دره سیدشهاب در جنوب تویسرکان و منتهی به دشت ملایر واقع شده است (نقشه ۲). جانب غربی و جنوبی تپه را مسیل طبیعی دربرگرفته که در جنوب به رودخانه فصلی سوق بلاغ و رودخانه سه‌مسئله می‌پیوندد که مهم‌ترین منبع طبیعی آب منطقه است. تپه جیجان‌کوه مخروطی‌شکل، دارای ارتفاع حدود ۱۲ متر است و سطح آن چندان گسترده نیست (جدول ۱). در برش ایجاد شده در دامنه‌های تپه بقایای معماری لاشه‌سنگی (تصویر ۱۰) و بقایای خاکستر قابل مشاهده است. مواد فرهنگی موجود در سطح اثر به صورت قطعات پراکنده سفال و در حجم متوسط در سطح و حاشیه تپه قابل مشاهده است. قطعات سفالی پراکنده در سطح تپه معرف دوره مفرغ جدید با گونه سفال‌های نخودی با نقش سیاه است (تصویر ۱۱).



تصویر ۱۰: نمای از تپه جیجان‌کوه، و آثار معماری سنگی آن. دید از شمال (نظری‌ارشد، ۱۳۹۱: تصویر ۵۸)



تصویر ۱۱: نمونه سفال‌های سطحی تپه جیجان‌کوه (نظری‌ارشد، ۱۳۹۱: تصویر ۶۲)

تپه قبرستان‌زاغه (T.S 034) با ارتفاع ۱۸۵۸ متر از سطح آب‌های آزاد، در بخش قلقل‌رود، دهستان کمال‌رود، ۹۴۰ متری جنوب‌شرقی روستای زاغه قرار دارد، این اثر بر سطح پشته‌های طبیعی شکل گرفته است و حاشیه آن را تپه‌ماهورهای طبیعی دربر گرفته است. چشمه‌های طبیعی و مسیل طبیعی که در حاشیه شرقی و غربی اثر جاری است، مهم‌ترین منبع طبیعی آب نزدیک به اثر است و وسعتی در حدود ۲۰۰۰ متر مربع را دربر می‌گیرد. ارتفاع تپه در بلندترین قسمت نسبت به زمین‌های حاشیه در حدود ۲ متر است. گورهایی با ساختار لاشه‌سنگی در بخش شرقی و غربی اثر وجود دارد. مواد فرهنگی موجود در سطح اثر به صورت قطعات پراکنده سفال در سطح تپه قابل مشاهده است. دوره‌های فرهنگی مجموعه سفال‌های جمع‌آوری شده از سطح تپه قابل مقایسه با نمونه‌های مشابه در دوره مفرغ جدید است.

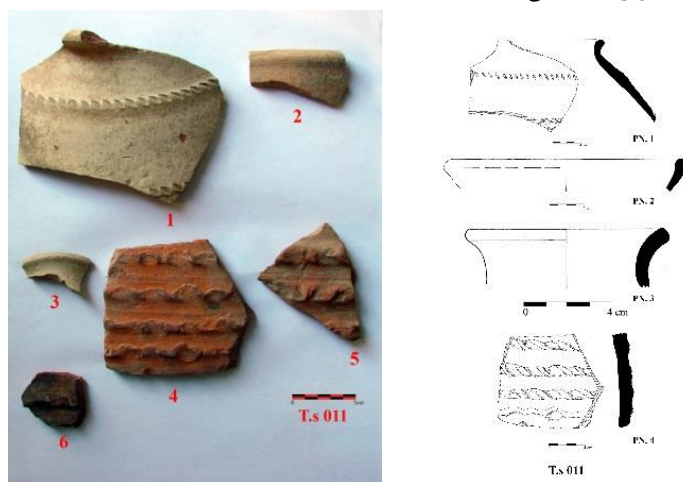
در تحلیل ۴ محوطه یادشده از عصر مفرغ در دشت تویسرکان، تنها در یک محوطه (تپه نجف‌آباد (T.S 013)) توالی استقرار از دوره قبل (مس‌وسنگ) شروع شده و در عصر مفرغ نیز سکونت در آن همچنان تداوم داشته است و از بین ۴ محوطه، در دو محوطه (تپه نجف‌آباد (T.S 013) و شوق‌آباد (T.S 028)) تداوم حیات سه دوره قدیم تا جدید دوره مفرغ وجود دارد. تپه شوق‌آباد محوطه‌ای است متعلق به مفرغ قدیم که با حضور فرهنگ یانیق در منطقه به شمار محوطه‌های نوبنیاد عصر مفرغ افزوده شده است. در دو محوطه تپه جیجان‌کوه (T.S-007) و تپه قبرستان‌زاغه (T.S 034) استقرار از مفرغ جدید شروع شده و بعد از آن نیز متروک شده است، این

دو تپه با وسعتی زیر نیم‌هکتار و با توجه به ارتفاع استقرار (در حاشیه دشت) و ارتفاع کم تپه، از نوع استقرارهای فصلی بوده است. استقرارهای عصر مفرغ دشت توپسرکان نسبت به استقرارهای دوره مس‌سنگی افزایش یافته و جز یک مورد (تپه نجف‌آباد (T.S 013)) در شروع عصر آهن همگی متروک می‌گردند. از عوامل و تأثیرات اصلی در فقدان محوطه‌های این دوره ارتفاع از سطح دریاست که با توجه به پراکنش محوطه‌ها و وضعیت توپولوژی منطقه و سرما، ساکنان آن ناچار به ترک محوطه‌ها شده‌اند. پراکنش استقرارهای عصر مفرغ دشت توپسرکان در این تقسیم‌بندی با توجه به دوره‌های قبل (مس‌سنگی) مورد بحث این حوضه که در درجه ارتفاعی به‌طور متوسط ۱۷۰۰ تا ۲۰۰۰ متر قرار دارد و با در نظر گرفتن اقلیم جغرافیایی این منطقه به لحاظ کم‌بودن درجه حرارت و بهره‌مندی بیشتر از آب‌های جاری فصلی برای استفاده آبیاری از شرایط نامساعدتری برخوردار بوده‌اند. وسعت استقرارها، مطرح در مطالعه الگوی استقرار، در وسعت کمتر از نیم هکتار قرار دارند و نشان از عدم جذب جمعیتی و استقرارهای گسترده در منطقه است. در تفسیر فاصله استقرارها، با توجه به قرارگیری ۳ محوطه تپه شوق‌آباد (T.S 028)، جیجان‌کوه (T.S 007) و قبرستان زاغه (T.S 034) در نزدیکی یکدیگر (نقشه ۲)، گویا در دوره مفرغ، علاوه بر تعاملات فرمانطقه‌ای، نوعی وابستگی درون منطقه‌ای در جنوب شرق دشت توپسرکان حاکم بوده و اهمیت زیادی داشته است.

۳-۴. استقرارهای عصر آهن

شاید بتوان مهم‌ترین تپه دشت توپسرکان را تپه نجف‌آباد (T.S 013) دانست که تداوم حیاتی آن در عصر آهن نیز با حضور آثار سفال‌های خاکستری ساده تیره و روشن با فرم‌های زاویه‌دار و لاله‌ای شکل آهن I مشخص می‌شوند (نقشه ۲؛ جدول ۱؛ تصاویر ۴، ۵ و ۶).

تپه مالی (T.S 011) با ارتفاع ۱۷۱۶ متر از سطح آب‌های آزاد، در ۲/۵ کیلومتری جنوب غرب روستای میان‌ده واقع شده است. مسیلی طبیعی از حاشیه جنوبی تپه عبور کرده و همچنین چشمه‌های فصلی مهم‌ترین منابع تأمین آب آن است (نقشه ۲). تپه مالی وسعتی در حدود ۴۵۰ مترمربع را دربر می‌گیرد. ارتفاع تپه در بلندترین نقطه نسبت به زمین‌های همجوار در حدود ۶ متر است (جدول ۱). در برش دیواره گودال حفاری غیرمجاز بقایای معماری خشتی پدیدار است. مواد فرهنگی موجود در سطح اثر به صورت قطعات سفال‌های منقوش افزوده (تصویر ۱۲) قابل مشاهده است.



تصویر ۱۲: نمونه سفال‌های سطحی تپه مالی (نظری‌ارشد، ۱۳۹۱: تصویر ۸۵)

در بررسی باستان‌شناختی صورت‌گرفته تعداد ۲ محوطه از عصر آهن در دشت توپسرکان شناسایی شده است (نقشه ۲؛ جدول ۱). از ۲ محوطه یادشده عصر آهن در این حوضه، تنها در یک محوطه و در تپه نجف‌آباد (T.S 013) توالی استقراری از دوره قبل از عصر آهن (یعنی از دوره مس‌وسنگ و مفرغ) شروع شده و در این دوره نیز سکونت تداوم داشته است. این محوطه، به لحاظ وسعت از بزرگ‌ترین محوطه‌های دشت توپسرکان به‌شمار می‌آید و تنها در محوطه تپه مالی (T.S 011) استقرار از عصر آهن I شروع و توالی آن نیز در ادوار بعد ادامه نیافته و متروک شده است؛ این تپه دارای وسعت زیر نیم هکتار است. به‌دلیل کم‌شمار بودن محوطه‌های عصر آهن نمی‌توان جامعه آماری مشخصی را در رابطه با نوع استقرارها بیان کرد.

۵. سنت‌های سفالی دوره‌های مس‌وسنگ تا عصر آهن رایج در دشت توپسرکان

سنت‌های سفالی منطقه مورد مطالعه، از سنت سفال‌های زاگرس مرکزی (توالی لایه‌نگاری گودین و سه‌گابی) پیروی کرده و شامل سنت‌های دالمایی، سه‌گابی، گودین VIII تا II است. سفال‌های دوره مس‌وسنگ قدیم دشت توپسرکان، شامل سفال‌های نخودی پوک با شاموت کاه و نقوش هندسی سیاه گودین XI (شحن‌آباد)، سفال‌های ساده و سینی‌های پوست‌کنی با خمیره نخودی و لعاب گلی قرمز گودین X (دالما) (تصویر ۳)، در دوره میانی مس‌وسنگ؛ سفال‌های نخودی بدون لعاب با بدنه براق گودین IX (سه‌گابی)، سفال‌های BOB سه‌گابی (نقوش سیاه بر زمینه نخودی) و گودین VIII (طاهرآباد)، سفال‌های نخودی با شاموت کاه، سفال‌های S شکل، سفال‌های لعاب‌دار گلی غلیظ گودین VII، در دوره جدید مس‌وسنگ؛ سفال‌های منقوش سیاه بر زمینه قرمز، نقوش هندسی و حیوانی گودین VI-V (تصویر ۶) در تپه‌های زاغه (T.S 035)، نجف‌آباد (T.S 013) و قلعه‌شیخ (T.S 003) هستند.

سنت سفالی دشت توپسرکان در عصر مفرغ را سفال‌های نخودی ظریف و ظروف دسته‌نخجوانی گودین IV (از نوع یانیق)، سفال‌های ساده و منقوش با نقوش هندسی و نواری، گیاهی و حیوانی گودین III در تپه‌های نجف‌آباد (T.S 013) شوق‌آباد (T.S 028)، جیجان‌کوه (T.S 007) و قبرستان زاغه (T.S 034) دربرگرفته‌اند (تصاویر ۹ و ۱۱). شاخص‌ترین سفالینه‌های عصر آهن دشت توپسرکان شامل سفال‌های خاکستری و سفال‌های نخودی ساده و منقوش با نقش برجسته و همچنین بخشی از یک ظرف لوله‌دار شاخصه عصر آهن است. ویژگی‌های سفال‌های عصر آهن به‌دست‌آمده از دشت توپسرکان عبارتند از: خمیره نخودی‌رنگ مایل به کرم، شاموت شن و پخت خوب که سطح سفال‌ها نیز با دست مرطوب صاف و پرداخت شده است. سفال نخودی ساده معمولی که بیشترین تعداد را به خود اختصاص می‌دهد، تماماً چرخ‌ساز بوده و شاموت آنها را شن و ماسه و ذرات ریز سنگ تشکیل داده است. سفال‌های به‌دست‌آمده ساده بوده و تنها چند مورد سفال با نقش افزوده طنابی به‌دست آمده است (تصویر ۱۱ و ۱۲). اشکال ظروف، ساده و اکثراً شامل کاسه‌هایی با لبه ساده یا متمایل به خارج و کف‌های ساده و تخت هستند.

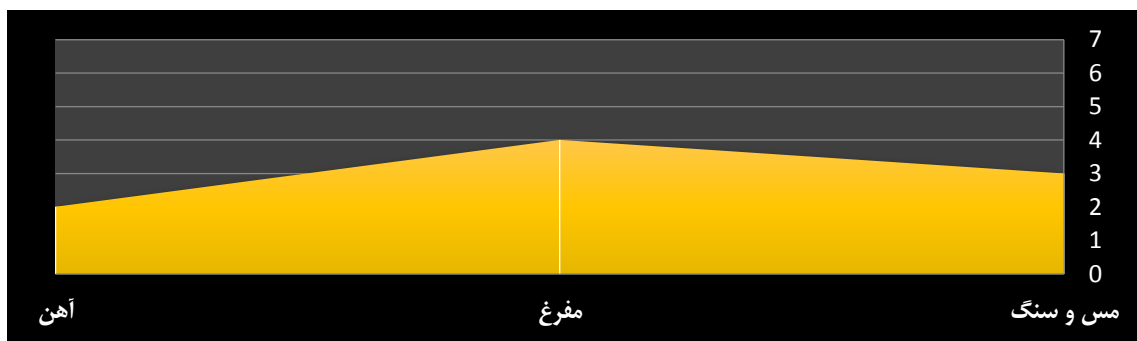
۶. نتیجه

کیفیت و کمیت استقرارهای فرهنگی یک ناحیه به عواملی مانند بارندگی، خاک، آب و هوا و توانایی مردم در بهره‌برداری از آنها بستگی دارد، از منظر دیگر، زیستگاه به تغییرات زیست‌محیطی حاصل از عوامل طبیعی و فرهنگی وابسته است، شرایط جوی ناپایدار پس از دوره پلیستوسن، به‌درستی توالی زیستگاه‌های روستانشینی

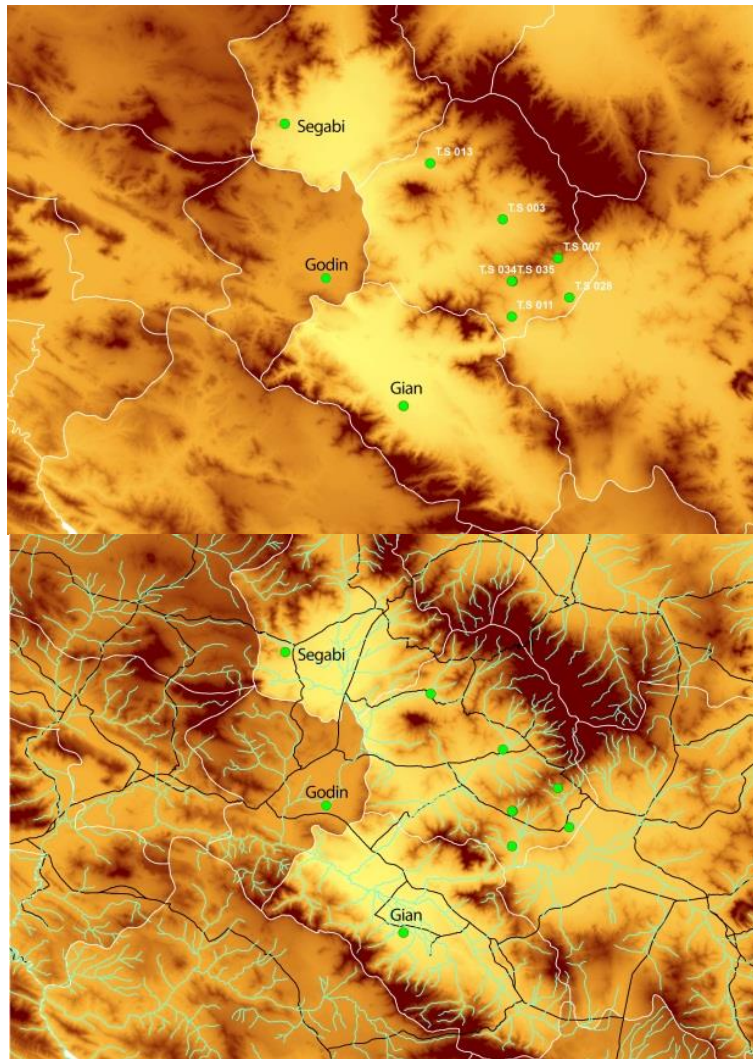
آغازین و بعضی از تغییرات بعدی آن را توجیه می‌کند؛ ولی به محض این که مردم در ناحیه‌ای ساکن شدند، محیط زیست را بر اثر کشاورزی، چرانیدن حیوانات و تقلیل منابع گیاهی و شوره‌زار شدن خاک در نتیجه آبیاری تخریب می‌کنند که بر انتخاب محل و پایداری زیستگاه‌ها تأثیر خواهد داشت؛ با این توصیف در دوره مس‌وسنگ، دشت‌های حاصلخیز (جلگه‌ای و پست) جای خالی برای مهاجرت و تأمین منابع را نداشتند، بنابراین دشت‌ها و دامنه‌های مرتفع مورد توجه قرار می‌گیرند، به طوری که مکان محوطه‌های جدید و محوطه‌هایی که از پیش وجود داشتند، به گونه‌ای تعیین می‌شوند که با اردوگاه‌های گله‌داران مرتبط باشند (هول، ۱۳۸۸: ۱۶۲-۱۶۴) و بتوانند ضمن ارتباطات، نیاز کمبودهای کشاورزی و تقلیل منابع گیاهی در چرای حیوانات را جبران نمایند.

مردم کوچ‌نشین احتمالاً عامل پیوند نظام‌های گوناگون فرهنگی بوده‌اند؛ فاصله‌ها و موانع برای جوامع کوچ‌رو (گله‌داران) اهمیت زیادی نداشت، چراکه ممکن بود مسافت‌های زیادی را بپیمایند و به دشت‌های بکر یورش ببرند و در این میان چراگاه‌های غنی، در حرکت کوچ‌روها تأثیر به‌سزایی داشته است؛ در این موارد گذرگاه‌های کوهستانی در عبور و مرور اهمیت داشته و مسیر حرکت و ارتباط متقابل را تعیین می‌کرده‌اند، همچنین میزان تراکم جمعیت ساکن و کوچ‌نشین به امکان دسترسی به چراگاه مناسب بستگی داشته است. در دوره آغازین مس‌وسنگ، احتمالاً مسافتی کوتاه را می‌پیمودند و در این صورت به‌ندرت به بیش از یک پهن‌دشت مستقر می‌رسیدند و بسیاری از این نواحی دور از دسترس بودند، در چنین شرایطی میزان توسعه در پهن‌دشت‌های مختلف کمتر و متفاوت بود. استقرارهای دوره مس‌وسنگ در امتداد رودخانه‌ها، نزدیکی کوهپایه‌ها و حاشیه دشت‌ها انتخاب شده‌اند، چرا که در چنین حالتی دستیابی به آب و زمین‌های حاصلخیز تسهیل می‌یافته است؛ بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که هسته مرکزی نظام یکجانشینی اولیه در حاشیه دشت‌ها (کوه‌پایه‌ها) و شاید در چراگاه‌های زمستانی پست مجاور آنها بوده که وابستگی بدان داشته‌اند. در دوره مس‌وسنگ، استقرارهای بیشتری نسبت به دوره‌های قبل به وجود آمده است و ظاهراً این دوره تا نواحی جدید و بلندتر و مرتفع‌تری گسترش یافته است. به‌رغم افزایش آشکار تراکم و اشغال سرزمین‌های جدید، روستاهای اولیه، پراکنده و بسیار دور از هم هستند، به طوری که دورتادور هر روستا فضای وسیعی برای گردآوری دانه‌های خوراکی خودرو، ایجاد چراگاه برای گله‌ها و کشاورزی وجود داشته است (هول، ۱۳۸۸: ۱۶۷-۱۶۸). مطالعات اخیر در حوضه مورد مطالعه، به روشنی مشخص کرده که با آغاز دوره مس‌وسنگ، نوعی تغییر در بافت‌های استقراری پراکنده به سوی شکل‌گیری نوعی الگوی خطی در حاشیه رودخانه گاماسیاب به سوی غرب زاگرس مرکزی ایجاد شده است (سعیدی‌هرسینی، ۱۳۸۵: ۵۱۵). این بدان معناست که احتمالاً اندکی فشار محیطی و یا بروز خشکسالی‌های کوتاه‌مدت که خصیصه ذاتی اقلیم زاگرس است، عملاً جمعیت ساکن در دوره مس‌وسنگ را وادار نموده است تا با تغییر در استراتژی معیشتی خود از دامداری و کشاورزی دیم به سوی کشاورزی آبی در دلتاها و حواشی رودخانه‌ها جابه‌جا شوند و این درست هم‌زمان با رواج شیوه کشت آبی در غرب ایران است که منشأ آن از دهلران (دوره سبز و چغامامی) در مرزهای غربی زاگرس با بین‌النهرین گرفته شده بود، شاید به واسطه مهاجرت یا پدیده انتشار این شیوه نوین که در واقع پاسخی سیستماتیک به پیامدهای ناشی از خشکسالی در زاگرس بود، به‌عنوان یک شیوه مهارکننده انتخاب شده است. در چنین فضایی کاهش محسوس جمعیت بومی در مناطق حاشیه‌ای مرتفع و کوهستانی اتفاق می‌افتد و این خود

می‌توانسته برای قومی که به تدریج در حال اشغال مناطق کم‌سکنه و یا خالی از سکنه بوده‌اند، فضایی بسیار مناسب به وجود آورده باشد (مترجم، ۱۳۹۰: ۱۴۴). با این وجود، ممکن است این نکته به نظر آید که در دوره مس‌وسنگ زندگی گسترده و فراخی وجود داشته است، اما در این باره باید به شیوه زندگی مبتنی بر کوچ‌روی و چادرنشینی معتقد بود و در چنین شرایطی یافتن بقایای استقرارها در طول زمان دشوار است. با این وصف و تحلیل‌های ذکر شده، این نوع شیوه در حوضه مورد مطالعه، یعنی دشت مرتفع توپسرکان نیز قابل تعمیم است و با کمبود و کمیت استقرارهای آن منطبق است؛ مطالعه بررسی‌های باستان‌شناسی و همچنین ۷ محوطه دشت توپسرکان از عصر مس‌سنگی تا عصر آهن، نشان می‌دهد که در دوره مس‌وسنگی به پیروی از سایر نواحی در زاگرس مرکزی، نوعی هجوم و گسترش استقرارها در دشت‌های مرتفع، در جستجوی منابع غنی‌تر رخ داده که دشت مذکور با دارا بودن وضعیت مناسب اقلیمی و مراتع غنی در حواشی رودخانه‌ها، موجب گسترش بیشتر زیستگاه‌ها خارج از هسته‌های اصلی خود در تپه‌هایی مانند گودین (Young and Levine 1974)، گیان (Contenau and Ghirshman 1935) و سه‌گابی (Levine 1975) در نواحی شرقی و دامنه‌های الوند شده، به طوری که حتی زیستگاه‌هایی از این دوره در ارتفاع ۲۰۰۰ متری از سطح دریا را نشان داده است (نقشه ۲ و ۳). با کمی تأمل در نمودار ترسیمی (نمودار ۱) در استقرارهای مختلف از دوره مس‌وسنگ (۳ استقرار)، مفرغ (۴ استقرار) و آهن (۲ استقرار)، این نوع شیوه و حضور در دشت توپسرکان، در هر سه دوره حفظ شده است؛ چراکه با کمی مطالعه در اطلاعات قوم‌باستان‌شناسی منطقه و دشت توپسرکان (عشایر کوچ‌رو و دامدار) که با پایان فصل سرما از اردیبهشت‌ماه وارد دشت مذکور شده و به صورت موقت در دامنه‌های دارای مراتع غنی، نیاز احشام خود را برطرف ساخته و سپس با شروع فصل سرما در آبان‌ماه از منطقه خارج و به مناطق پست در نواحی غرب و جنوب‌غرب نقل مکان می‌کنند (آقامحمدی و شرفی، ۱۳۹۰: ۷۵)، خود می‌تواند الگویی از نحوه زندگی اقوام کوچ‌رو در حوضه مورد مطالعه از گذشته را ترسیم سازد و نتایج قابل‌قبولی در پاسخ به مفروضات الگوی معیشتی و در نحوه شکل‌گیری استقرارهای این حوضه ارائه دهد. به نظر می‌رسد، چنین رویکرد الگوی استقراری و معیشتی (زندگی مبتنی بر کوچ‌نشینی) با توجه به حضور گسترده امروزی عشایر و ایلات در دشت‌های مرتفع توپسرکان (همان: ۹۲)، از دوره مس‌وسنگ آغاز و در ادوار بعدی (عصر مفرغ و آهن) نیز ادامه پیدا کرده است.



نمودار ۱: آمار استقرارها و محوطه‌ها در دوره‌های مختلف (مس‌وسنگ تا عصر آهن) شهرستان توپسرکان (نگارندگان)



نقشه ۳: موقعیت و ارتباط محوطه‌های مس‌وسنگ تا عصر آهن شهرستان تویسرکان نسبت به سه محوطه کلیدی نواحی شرقی زاگرس مرکزی (تپه‌های گودین، گیان و سه‌گابی)، (نگارندگان)

با نگاهی به موقعیت جغرافیایی منطقه تویسرکان در ناحیه شرقی زاگرس مرکزی، متوجه موقعیت بینابینی این منطقه با مناطق همجوار (کنگاور-گودین و سه‌گابی، نهاوند-گیان) خواهیم بود. این منطقه از نظر الگوهای استقرار و گونه‌های فرهنگی، به شدت متأثر از هسته‌های اصلی در مناطق همجوار خود بوده است. توالی استقرارهای دشت تویسرکان با ۴۴ محوطه، در طی بررسی باستان‌شناسی صورت پذیرفته، از دوره مس‌وسنگ شناخته شده است. پراکنش محوطه‌ها، طیف گسترده‌ای از مناطق مرتفع تا دشت‌ها را شامل می‌شود؛ تمایل به استقرار در مناطق حاشیه‌ای و قرارگیری محوطه‌ها در کنار چشمه‌ها، کاهش تعداد و همچنین کاهش وسعت محوطه‌ها، احتمال رشد کوچ‌نشینی و یا روستاهایی با اقتصاد رمداری و نیم‌نگاهی به کشاورزی محدود را در این منطقه یادآور می‌شود. دشت مرتفع تویسرکان از دوره مس‌وسنگ با هجوم جمعیت کوچ‌رو مواجه بوده است و دلیل آن نیز، فشار محیطی در اثر کمبود منابع حیاتی بوده که جمعیت ساکن در نواحی همجوار را وادار نموده تا با تغییر در استراتژی معیشتی خود از دشت‌های پست و کم‌مرتفع جابه‌جا شده و به واسطه مهاجرت به دشت‌های حاشیه‌ای مرتفع و کوهستانی (مانند دشت مرتفع تویسرکان) کوچ کرده تا پاسخی

سیستماتیک و مناسب به پیامدهای ناشی از کمبودهای منابع غذایی داده شود. در چنین فضایی، کاهش محسوس جمعیت بومی در هسته‌های اصلی و افزایش الگوهای استقراری مشابه با آن در مناطق حاشیه‌ای مرتفع و کوهستانی را سبب شده که این خود می‌توانسته برای قومی که به تدریج در حال اشغال مناطق کم‌سکنه و یا خالی از سکنه بوده‌اند، فضایی بسیار مناسب به وجود آورده باشد. توجیه این ادعا نیز با توجه به مطالعه ۷ محوطه دشت مرتفع توپسرکان با سنت‌های همگن و مشابه فرهنگی استقرارها در مناطق همجوار حوضه مورد مطالعه است. در پایان براساس این شواهد، می‌توان منطقه مورد بحث در این پژوهش (دشت توپسرکان) را، تحت تأثیر مناطق همجوار خود، یعنی کنگاور و نهاوند در شرق زاگرس مرکزی به‌شمار آورد. دلیل فقدان و پراکنش استقرارهای دوره مس‌وسنگ تا پایان عصر آهن دشت توپسرکان نیز ارتفاع از سطح دریاست (درجه ارتفاعی به‌طور متوسط ۱۷۰۰ تا ۲۰۰۰ متر) که با توجه به وضعیت توپولوژی منطقه و سرما، ساکنان آن ناچار به ترک منطقه و محوطه‌ها در فصول سرما بوده‌اند؛ همچنین با در نظر گرفتن اقلیم جغرافیایی این حوضه به لحاظ کم‌بودن درجه حرارت مناسب در طول سال از شرایط نامساعدتری در کشاورزی نیز برخوردار بوده است. وسعت استقرارهای مطرح در مطالعه استقرارهای دشت توپسرکان که در وسعتی بین نیم تا یک هکتار قرار دارند، نشان‌دهنده عدم جذب جمعیتی و استقرارهای گسترده این منطقه است که خود توجیه مناسبی در کمبود و فقدان محوطه‌ها به‌شمار می‌آید.

تشکر و قدردانی

مقاله پیش‌رو برگرفته از پژوهشی میدانی به سرپرستی نگارنده (رضا نظری‌ارشد) و همکاری و اعضای هیئت، آقایان مصطفی رشیدی‌ارزنده، خلیل‌الله بیک‌محمدی، ذبیح‌الله بختیاری، خسرو محمدی و علیرضا خونانی است که بدین‌وسیله از زحمات بی‌شائبه ایشان قدردانی می‌کنیم. همچنین از استاد گرانقدر جناب آقای دکتر نیکنامی و دوست عزیز و همکار محترم آقای دکتر بهزاد بلمکی که نسخه اولیه این مقاله را خواندند و پیشنهادات سازنده‌ای نیز ارائه کردند، بسیار سپاسگزاریم.

منابع

- آقامحمدی، مهدی و حسین شرفی (۱۳۹۰)، *تحلیل بر پراکندگی جغرافیایی ایلات و عشایر استان همدان*، با مقدمه عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری، چاپ اول، تهران، قومس.
- ایوکی (رحمانی)، اسماعیل (۱۳۷۷)، «گزارش مقدماتی بررسی و شناسایی باستان‌شناختی شهرستان بهار»، آرشیو سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان، (منتشر نشده).
- بختیاری، ذبیح‌الله (۱۳۸۸)، «گزارش بررسی و ثبت آثار شهرستان ملایر، بخش سامن»، آرشیو سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان همدان، ج ۱ و ۲، (منتشر نشده).
- بلمکی، بهزاد (۱۳۹۲)، «گاهنگاری نسبی دشت همدان (پس‌کرانه‌های شمالی کوه الوند) از هزاره پنجم تا دوران میانی هزاره سوم پیش از میلاد»، *مجموعه مقالات باستان‌شناسی و تاریخ همدان به مناسبت یکصدمین سالگرد کاوش در همدان*، به کوشش علی هزبری، تهران، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، چ اول، صص ۳۱-۱۷.
- _____ (۱۳۹۳)، «نگاهی به تحولات فرهنگی دشت نهاوند و معرفی محوطه‌های شاخص آن در دوران مس‌سنگی»، *مجموعه مقالات همایش باستان‌شناسی نهاوند (در پاسداشت مهدی رهبر)*، گردآورنده: علی خاکسار، اسماعیل رحمانی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان، صص ۹۱-۱۱۰.

- بلمکی، بهزاد و عباس مترجم (۱۳۸۸)، «گزارش مقدماتی بررسی و شناسایی باستان شناختی شهرستان بهار»، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان (منتشر نشده).
- بیک‌محمدی، خلیل‌الله؛ محسن جانجان؛ نسرين بیک‌محمدی و حمید کرمی (۱۳۹۳)، «شاعه فرهنگ یانیق در بخش زند-ملایر»، مجموعه مقالات همایش باستان‌شناسی ملایر (در پاسداشت مهندس ابراهیم حیدری)، گردآورنده: علی خاکسار، اسماعیل رحمانی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان، صص ۲۵۲-۲۳۳.
- تاجبخش، رویا و بهزاد بلمکی (۱۳۹۳)، «تحلیل الگوهای استقراری و حوضه گیرش محوطه‌های عصر مس‌سنگی واقع در اطراف الوند در ارتباط با تشابهات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای»، *مطالعات باستان‌شناسی*، دانشگاه تهران، دوره ۶، شماره ۱، بهار و تابستان، صص ۱-۱۹.
- جانجان، محسن (۱۳۹۱)، *گزارش بررسی و ثبت آثار شهرستان ملایر بخش زند و مرکزی*، آرشیو سازمان میراث فرهنگی و گردشگری استان همدان، ج ۲ (منتشر نشده).
- جانجان، محسن؛ خلیل‌الله بیک‌محمدی و نسرين بیک‌محمدی (۱۳۹۳)، «بررسی تغییرات فرهنگی و زیست محیطی از دوره مس‌سنگ تا پایان عصر آهن مبتنی بر الگوهای استقراری (بر پایه بررسی باستان‌شناختی در بخش زند - ملایر)»، مجموعه مقالات همایش باستان‌شناسی ملایر (در پاسداشت مهندس ابراهیم حیدری)، گردآورنده: علی خاکسار، اسماعیل رحمانی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان، صص ۲۳۲-۲۱۵.
- خاکسار، علی و اسماعیل همتی (۱۳۹۳)، «نگاهی به کاوش‌های باستان‌شناختی تپه گوراب ملایر»، مجموعه مقالات همایش باستان‌شناسی ملایر (در پاسداشت مهندس ابراهیم حیدری)، گردآورنده: علی خاکسار، اسماعیل رحمانی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان، صص ۲۱۴-۱۹۹.
- خاکسار، علی؛ اسماعیل همتی و آصف نوروزی (۱۳۹۳)، «بررسی فرهنگ یانیق در زاگرس مرکزی بر اساس کاوش لایه‌نگاری در تپه گوراب ملایر»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ش ۷، دوره چهارم، پاییز و زمستان، ۶۶-۴۷.
- رضوانی، حسن (۱۳۸۶)، «کاوش نجات بخشی پاتپه، فصل دوم»، بایگانی پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- سالنامه آماری استان همدان (۱۳۸۴)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان همدان.
- سراقی، نعمت؛ خدیجه سلطانی و مسلم جعفری‌زاده دهاقانی (۱۳۹۲)، «نویافته‌های عصر مفرغ و آهن دشت نهاوند»، مجموعه مقالات همایش باستان‌شناسی نهاوند (در پاسداشت مهدی رهبر)، گردآورنده: علی خاکسار، اسماعیل رحمانی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان، ۱۹۳-۱۷۹.
- سعیدی‌هرسینی، محمدرضا؛ احمد چایچی و حسن طلایی (۱۳۸۷)، «گزارش مقدماتی بررسی استقرارهای عصر مفرغ دشت نهاوند (سرچشمه گاماسیاب)»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، دوره ۵۷، ش ۲-۱۸۰، صص ۴۷-۶۵.
- سعیدی‌هرسینی، محمدرضا (۱۳۸۵)، «بررسی و تحلیل داده‌های باستان‌شناختی حوضه رودخانه گاماسیاب در دوران مس‌سنگی»، پایان‌نامه دوره دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی، تهران، (منتشر نشده).
- علیزاده، عباس (۱۳۷۳)، «اهمیت و شناخت روش‌های بررسی در باستان‌شناسی»، *باستان‌شناسی و تاریخ*، سال نهم، ش اول، پاییز و زمستان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۲-۹.
- _____ (۱۳۸۲)، *الگوهای استقرار و فرهنگ‌های پیش از تاریخ دشت شوشان*، ترجمه لیلا پاپلی یزدی و عمران گاراژیان، پژوهشکده باستان‌شناسی.
- کارگر، بهمن (۱۳۶۹)، «گزارش بررسی و گمانه‌زنی در همدان»، آرشیو میراث فرهنگی استان همدان (منتشر نشده).
- مترجم، عباس (۱۳۹۰)، «نشانه‌هایی از یک مهاجرت قومی به شمال غرب و غرب ایران در هزاره سوم ق.م. در پرتو کاوش‌های باستان‌شناسی»، *نامه باستان‌شناسی*، ش ۱، دوره اول، پاییز و زمستان، ۱۳۷ تا ۱۴۶.
- مترجم، عباس و طیبه الماسی (۱۳۹۲)، «بررسی تغییرات فرهنگی دشت کنگاور از دوره مس‌سنگ تا پایان عصر مفرغ بر اساس مدل‌های استقراری»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ش ۵، دوره سوم، پاییز و زمستان، ۵۱-۶۲.
- محمدی‌فر، یعقوب و عباس مترجم (۱۳۸۲)، «گزارش بررسی باستان‌شناسی بخش خزل نهاوند»، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان، (منتشر نشده).

- _____ (۱۳۸۲)، «گزارش بررسی باستان‌شناسی شهرستان توپسرکان»، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان، (منتشر نشده).
- _____ (۱۳۸۳)، «بررسی و شناسایی باستان‌شناسی شهرستان نهاوند»، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان، (منتشر نشده).
- _____ (۱۳۸۴)، «بررسی و شناسایی باستان‌شناسی بخش مرکزی شهرستان همدان»، آرشیو اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان، (منتشر نشده).
- مقدم، محمد (گل محمدی) (۱۳۷۸)، توپسرکان، سیری در اوضاع طبیعی، تاریخی، اقتصادی، و اجتماعی، ج اول، چ دوم، تهران، اقبال.
- ساعدموچشی، امیر (۱۳۹۲)، «حوضه آب‌گیر رودخانه قزل‌اوزن در دوره مس‌وسنگ بر اساس بررسی‌های باستان‌شناختی شهرستان بیجار»، پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، سال سوم، ش ۵، پاییز و زمستان، ۲۵-۵۰.
- نظری‌ارشد، رضا (۱۳۹۱)، «گزارش بررسی باستان‌شناسی تکمیلی شهرستان توپسرکان»، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان، (منتشر نشده).
- نظری‌ارشد، رضا، (۱۳۸۵)، «گزارش بررسی و شناسایی باستان‌شناختی بخش مرکزی و جوکار شهرستان ملایر»، اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان.
- نوروزی، آصف (۱۳۹۲)، «نهاوند؛ مرکز فرهنگ یانیق در زاگرس مرکزی»، مجموعه مقالات همایش باستان‌شناسی نهاوند (در پاسداشت مهدی رهبر)، گردآورنده: علی خاکسار، اسماعیل رحمانی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان، ۱۶۶-۱۷۸.
- _____ (۱۳۹۳)، «بررسی و تحلیل اشکال سفال فرهنگ یانیق، مطالعه موردی: تپه گوراب ملایر»، مجموعه مقالات همایش باستان‌شناسی ملایر (در پاسداشت مهندس ایراهیم حیدری)، گردآورنده: علی خاکسار، اسماعیل رحمانی، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان همدان، ۲۷۴-۲۵۳.
- هول، فرانک (۱۳۸۲)، باستان‌شناسی غرب ایران، ترجمه زهرا باستی، تهران، سمت.
- یوسفی‌زشک، روح‌الله (۱۳۹۰)، «گزارش لایه‌نگاری محوطه میمنت‌آباد رباط کریم»، پژوهشکده باستان‌شناسی (منتشر نشده).
- Balmaki, B. and Niknami, K.A., 2012. Survey of new discovered of chalcolithic sites in northern hillside of Alvand mountains (Eastern Central Zagros Mountains), Researcher 4(10), 23-28.
- Contenau, J. & Ghirshman, R. 1935. Fouilles du Tepe Giyan pre de Nehavand 1931-1932, Libraries Orientalist, Paul Geuthner, Paris.
- Henrickson, Robert, 1986. A regional perspective on Godin III cultural development in central western Iran, *Iran* 24: 1-57.
- _____, 1987. The Godin III chronology for central western Iran 2600-1400 B.C, *Iranica Antiqua*, 22: 33-117.
- Levine, L.D., 1975. The excavation at Seh Gabi, in: F.Bagherzadeh (ed.), Proceedings of the III rd Annual Symposium on Archaeological Research in Iran, Iranian Center for Archaeological Research Tehran, pp. 31-44.
- Swiny, S., 1975. Survey in northwest Iran 1971, *East and West*, 25: 77-96.
- Young T, C., jr., Louis, Levine, 1974. excavations of the Godin project, second program report. Occasional paper, Art and Archaeology, Royal Ontario Museum.